

بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان

حوریه شادفر^{۱*}، محمدجواد لیاقتدار^۲ و مصطفی شریف^۳

چکیده

در عصر اطلاعات، که نیاز جامعه به دانش آموختگانی که بتوانند به‌طور مستمر اطلاعات خود را به روز کنند و مهارت‌های جدیدی را فرا گیرند بیش از قبل احساس می‌شود. همچنین، روزآمد کردن رشته‌های تحصیلی و ایجاد تغییرات در برنامه‌های درسی آنها متناسب با نیازهای متنوع و در حال تحول فراگیران در ابعاد مختلف امری ضروری محسوب می‌شود. هدف این پژوهش شناسایی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای علمی، فردی، اجتماعی و شغلی دانشجویان با روش توصیفی-پیمایشی بود. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه نیمه سازمان یافته استفاده شد. این پژوهش بر روی نمونه‌ای متشکل از دانشجویان کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی و کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه‌های اصفهان، تهران و شهید بهشتی انجام شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از مصاحبه از روش مقوله‌بندی و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه از آمار توصیفی استفاده شد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که میزان انطباق برنامه درسی رشته مذکور با نیازهای دانشجویان کمتر از حد متوسط است؛ به عبارت دیگر، برنامه درسی رشته مذکور پاسخگوی نیازهای دانشجویان نیست.

کلید واژگان: برنامه درسی، رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، نیازهای علمی، نیازهای فردی، نیازهای اجتماعی، نیازهای شغلی، آموزش عالی.

مقدمه

امروزه، انسانها به‌طور پیوسته با مسائل و رویدادهای گوناگون درگیرند و نیازمند آن هستند که به مجموعه‌ای از توانمندیها و مهارتها که تأمین کننده نیازهای علمی، فردی، اجتماعی و شغلی آنهاست،

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

* مسئول مکاتبات: horiyehshadfar@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: m.javad.liaghatdar@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: m.sharif@edu.ui.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۷/۴

مجهز شوند تا بتوانند با تغییرات ایجاد شده مواجه شوند. یکی از مهم‌ترین ارگانهای مسئول ایجاد چنین توانمندی‌هایی در افراد جامعه آموزش عالی است که باید از طریق برنامه‌های درسی رشته‌های مختلف در جهت تأمین این نیازها گام بردارد. آموزش عالی باید دانشجویان را برای پاسخگویی به پیشرفتهای اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی به سرعت در حال تغییر آماده کند (Wheelan and Carter, 2001: 303) و نیز دانش آموختگانی را با مهارتهایی که بتوانند به‌طور حرفه‌ای در عصر یادگیری ایفای نقش کنند، تربیت کند (Fallows and Steven, 2000). با توجه به اظهارات آگاده و همکاران (Ogade et al., 2006) و مؤمنی مهمونی (Momeni Mahmmye, 2009:14) دانشگاهها باید بتوانند افراد را برای داشتن شایستگیهای عمومی همچون توانایی حل مسئله، داشتن تفکر انتقادی، تجزیه و تحلیل مسائل، توانایی برقراری ارتباط و بیان خود به‌صورت کتبی و شفاهی، توانایی شناخت و بررسی ضعف و قوت خود، توانایی یادگیری مادام‌العمر، توانایی کار گروهی و همکاری، توانایی استفاده از فناوری روز و به‌کاربردن تئوری در عمل و توانایی انجام دادن پژوهش، مسئولیت‌پذیری، تعهد، آگاهی، آماده بودن برای مواجهه با چالشهای زندگی و به‌طور خلاصه شهروندانی مسئول پرورش دهند. با توجه به اینکه برنامه‌های درسی دانشگاهی ابزاری برای فراهم ساختن فرصتهای لازم برای توسعه و تقویت آگاهیها و مهارتهای شخصی و حرفه‌ای متعدد به‌شمار می‌رود و از مهم‌ترین ابزار و عناصر تحقق بخشیدن به اهداف و رسالتهای کلی آموزش عالی است، باید تغییرات لازم در آن صورت گیرد. رایتز و همکاران (Wright et al., 2002) پیشنهاد کردند که برای تقویت انسجام برنامه‌های درسی در آموزش عالی باید به‌طور اساسی برنامه‌های درسی را ارزیابی و در صورت لزوم تغییراتی را در آنها ایجاد کرد.

از آنجا که در مبحث توسعه آموزشی تأکید بر نیاز به رویکرد آموزشی فراگیر محور وجود دارد (Wemmenhove and Groot, 2001: 208)، دانشگاه در یک محیط رقابتی و به‌منظور جهانی عمل کردن، خواه ناخواه باید دانشجویان را به‌عنوان مشتری محسوب کند و برنامه‌های خود را با نیازها و خواسته‌های آنها هماهنگ سازد. برنامه‌های درسی دانشگاهی با در نظر گرفتن نیازهای دانشجویان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ذینفعان آموزش عالی که مارش (Marsh, 2009) آنها را افرادی دانسته است که از حق اظهار نظر در باره برنامه درسی برخوردارند و در برنامه‌ها سهم دارند و علایق آنها را می‌توان در فرایند تصمیم‌گیری مورد نظر قرار داد (Griffiths et al., 2007) و همچنین، با توجه به تأکید نصر و همکاران (Nasr et al., 2008:125) بر اینکه دانشجویان یکی از منابع مهم اطلاعاتی برنامه‌ریزی درسی هستند که متأسفانه اغلب مورد غفلت واقع می‌شوند و نیز ضرورت پذیرش نیازهای یادگیرندگان به‌عنوان معیاری برای برنامه‌ریزی (Wiles and Bondi, 2002: 61) و قبول فرض اینکه دروس دانشگاهی مبتنی بر مشتری است (Clarke et al., 2006: 191)، باید برنامه‌ریزان درسی برای تدوین برنامه آموزشی اثربخش و کارآمد برای دانشجویان اهمیت ویژه‌ای قایل شوند و با در نظر گرفتن نیازهای آنها در ابعاد چهارگانه مطرح شده، دانش آموختگانی کارآمد تربیت کنند.

یکی از منابع اساسی در تعیین هدفهای برنامه درسی یادگیرنده و نیازهای اوست، به طوری که فتنی و اجارگاه (Fathi Vajargah, 2010:162) فراگیران را یک منبع اساسی تعیین نیاز تلقی می‌کند و با توجه به هدف برنامه‌ریزی درسی که عبارت از ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده است، لازم است این تغییرات به منظور تأمین نیازهای وی صورت گیرد؛ یعنی در جهت ایجاد نوعی از شناختها، عواطف، نگرشها، ارزشها، علایق و تواناییها و عادات مطلوبی باشد که یادگیرنده را در پاسخگویی به نیازها و حل مشکلات فردی و اجتماعی خود یاری بخشد و در مجموع به رشد ابعاد مختلف شخصیت وی بینجامد (Mirzabeygi, 2002:120). اخیراً دغدغه زیادی در خصوص چگونگی تحقق بهتر نیازهای فراگیران در برنامه درسی ایجاد شده است (Finch and Crunkilton, 1994: 20). با بررسی دقیق نیازهای دانشجویان در ابعاد مختلف فردی، علمی، اجتماعی و شغلی و مد نظر قرار دادن آنها در برنامه‌های درسی دانشگاهی به پرورش نیروی انسانی کارآمد نایل می‌شویم.

برنامه‌های درسی آموزش عالی باید به گونه‌ای باشد که دانشجویان از ابعاد مختلف تربیت شوند و اهداف متعددی در آن دنبال شود. به گفته شریف (Sharif, 2011:17) آموزش باید بر سرشت ذاتی فراگیر مبتنی باشد و پیامدهای فراتر از آموزش علمی و حرفه‌ای را دنبال کند و در کسوت یک مردم سالار فرهنگ ساز عمل کند. پارکی و همکاران (Parkay et al., 2006) اهداف برنامه درسی را در دو حیطه وسیع دسته‌بندی کرده‌اند: ۱. اهدافی که با جامعه و ارزشهایش مرتبط باشد؛ ۲. اهدافی که با یادگیرنده و نیازها، علایق و تواناییهایش مرتبط باشد. سیلور و الکساندر به نقل از سلسبیلی (Salsabili, 2004: 77-80) اهداف برنامه درسی را رشد شخصی، شایستگی اجتماعی، مهارت‌های یادگیری تداومی و تخصص دانسته‌اند. ویلز و باندی (Wiles and Bondi, 2002) هدفهای برنامه درسی را عبارت دانسته‌اند از: خود ادراکی، روابط انسانی، اثربخشی اقتصادی و مسئولیت شهروندی. در این خصوص روگما و هیوسدن (Roggema and Heusden, 2004) عنوان کرده‌اند که به جای تدریس به دانشجویان که چطور مسائل را حل کنند، باید آنها را به طور مناسب با موقعیتهای حرفه‌ای متغیر روبه‌رو کرد تا با آنها تعامل کنند و به طور پیوسته دانش و مهارت‌های جدید را از طریق زندگی به دست آورند. اهداف برنامه درسی در عصر جدید دیگر مختص به تربیت متخصص نیست، به طوری که بل (Bell, 2008) مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان جدای از تخصص را برنامه‌ریزی، حل مسئله، خلاقیت، تفکر انتقادی و ... دانسته است. در نتیجه، در شرایط جدید اهداف برنامه درسی در چهار حیطه فردی، علمی، اجتماعی و شغلی مطرح است و برنامه‌ریزان درسی باید هر چهار سطح نیاز دانشجویان را مد نظر قرار دهند.

در ادامه به چند پژوهش در خصوص برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در ایران اشاره شده است، از جمله میرکمالی (Mirkamali, 1994) در طرحی پژوهشی نقاط ضعف برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را بررسی کرد. واحدی (Vahedi, 1995) در پایان نامه خود عوامل مؤثر در عدم جذب دانش‌آموختگان کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاهها در پست مدیریتی

مدارس آموزش و پرورش تهران را بررسی کرده است. در پژوهش پور حقیقی زاده (Poor, 2000) در haghizade, 2000 در خصوص بررسی نگرش دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز در باره اهمیت و فایده دروس ارائه شده، برخلاف انتظار، دروس مشاوره بهترین رتبه را داشته است و مجموعه دروس روانشناختی و مدیریتی در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. علیمیرزایی (Alimirzayi, 2004) در پژوهشی نقاط ضعف و آسیب‌های موجود در محتوای برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را رعایت نشدن تناسب محتوای دروس با نیازها و علایق دانشجویان، استفاده نکردن استادان از فناوری و وسایل کمک آموزشی برای ارائه محتوا، تقویت نشدن مهارت‌های فنی، ادراکی، ارتباطی و انسانی دانشجویان، منتقل نشدن دانش شغلی مورد نیاز دانشجویان، توجه بیش از حد به مباحث نظری و غیر کاربردی و در نهایت، به روز نبودن محتوا دانسته است. عارفی (Arefi, 2004) در تحقیق خود به این مهم دست یافته است که ضرورت تجدید نظر و بهبود برنامه درسی دوره کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی از نظر ساختار و روش ارزشیابی آموخته‌ها بیش از دوره کارشناسی ارشد و دکتری است. گویا (Goya, 2006: 113) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که در دوره کارشناسی علوم تربیتی، دانشجویان به دلیل نداشتن تجربه‌های عملی آموزش، عدم توانایی نقد و بررسی مباحث نظری و مسلط نبودن بر یک موضوع درسی به سرعت منفعل می‌شوند. یافته‌های پژوهش یارمحمدیان و سلمانی‌زاده (Yarmohamadian and Salmanizade, 2007) نشان داد که دانش‌آموختگان و دانشجویان دروس تخصصی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را از نظر ایجاد دانش، نگرش و مهارت در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. احمدزاده (Ahmadzade, 2007) تحقیقی با هدف بررسی میزان توجه برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان به این نتیجه رسیده است که در کلیه عناصر نه‌گانه برنامه درسی و نیز دروس تخصصی این رشته هیچ‌کدام به پرورش مهارت‌های سه‌گانه شخصی، مدیریتی و فنی کارآفرینی توجه نشده است. عالی و حسینقلی زاده (Ali and Hoseyn, 2010) در پژوهشی با عنوان «نقد و ارزیابی برنامه درسی رشته علوم تربیتی (مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی)» بر لزوم تغییر و اصلاح در برنامه درسی رشته تأکید کرده‌اند.

تاکنون مطالعات و پژوهش‌های متعددی در سایر کشورها درخصوص برنامه‌های درسی آموزش عالی صورت گرفته است، از جمله کرن (Kern, 1994) در پژوهش خود نتیجه گرفته است که برنامه‌ریز درسی در نقش پژوهشگر باید فعالیت کند و از خبرگی خاصی در حیطه مورد نظر برخوردار باشد. لونبرگ (Levenburg, 2001) نیز ویژگی‌هایی را که دانشجویان باید پس از طی دوره آموزشی کسب کنند، مهارت‌های مدیریت عمومی دانسته است. ونگ (Wang, 1994) به این نتیجه رسیده است که از مشکلات اساسی برنامه‌های درسی در آموزش عالی چین هماهنگ نبودن آن با فرصت‌های شغلی و نارضایتی دانش‌آموختگان از مطالعات دوران تحصیل خود است. بولمن (Bollman, 2001) در نتیجه‌گیری پژوهش خود بر اهمیت توجه به معیارهای کیفیت در برنامه درسی از قبیل لزوم توجه به

تفاوت‌های یادگیرندگان، آموزش و یادگیری فعال و لزوم تقویت مهارت‌های حل مسئله در دانشجویان و توجه به استلزامات شهروندی در برنامه درسی تأکید کرده است. بهار و هورنشتاین (Behar and Horenstein, 1995) در خصوص تلاش‌های به‌عمل آمده به‌منظور بهبود برنامه‌های آماده‌سازی مدیران آموزشی برای رویارویی با تحولات آتی جامعه بشری به این نکته اشاره کرده است که محور اصلی تلاش‌ها باید در جهت همسو ساختن آموزش با واقعیت‌های عملی کار مدیران آموزشی باشد. آرمسترانگ (Armstrong, 1990) در مقاله‌ای با عنوان «چگونه مدیر بهتری بشوید»، به یازده ویژگی که لازم است مدیران آموزشی از آن برخوردار باشند، اشاره کرده است؛ این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: داشتن قدرت، دانش حرفه‌ای مدیریت، حساسیت مداوم در برابر محیط و وقایع، مهارت‌های تحلیل، مشکل‌گشایی و قضاوت و تصمیم‌گیری، توانایی‌ها و مهارت‌های اجتماعی، انعطاف‌پذیری، بسیار فعال بودن، خلاقیت، انسجام فکری، عادت و مهارت‌های یادگیری متعادل و دانش شخصی. بنابراین، برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی لازم است چنان قابلیت و کیفیتی داشته باشد تا بتواند نیازهای مطرح شده را برآورده سازد.

هدف از پژوهش حاضر تعیین میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی درسی با نیازهای دانشجویان رشته مذکور است. سؤال‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. تا چه میزان برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای علمی دانشجویان منطبق است؟ ۲. تا چه میزان برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای فردی دانشجویان منطبق است؟ ۳. تا چه میزان برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای اجتماعی دانشجویان منطبق است؟ ۴. تا چه میزان برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای شغلی دانشجویان منطبق است؟ ۵. تا چه میزان در خصوص انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان بر اساس عوامل دموگرافیک تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش و ماهیت موضوع از روش تحقیق توصیفی پیمایشی استفاده شده است. به‌علاوه، با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از ابزار پرسشنامه و مصاحبه نیمه سازمان یافته برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، روش پژوهش از نوع کمی و کیفی (در هم تنیده) است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان سال آخر کارشناسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و نیز دانشجویان کارشناسی‌ارشد رشته مدیریت آموزشی و کارشناسی‌ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی است که در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ در دانشگاه‌های اصفهان، تهران و شهید بهشتی تحصیل می‌کرده‌اند. در این پژوهش برای توزیع پرسشنامه از روش سرشماری استفاده شد تا نتایج پژوهش اعتبار بیشتری داشته باشد. بنابراین، در مجموع تعداد ۲۰۷ پرسشنامه تکمیل شده جمع‌آوری شد. در خصوص انتخاب نمونه از

جامعه آماری برای مصاحبه از روش نمونه‌گیری موارد عادی^۴ که یکی از روشهای نمونه‌گیری کیفی است، استفاده شد. تعداد کل نمونه ۲۰ نفر بود که از این تعداد ۵ نفر دانشجوی کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، ۵ نفر دانشجوی کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی و ۱۰ نفر هم از دانشجویان کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی بودند.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد جامعه آماری به تفکیک جنسیت و دانشگاه

جامعه آماری	اصفهان	تهران	شهید بهشتی	جمع	درصد
مرد	۱۲	۳۳	۱۴	۵۹	۲۸/۵
زن	۶۴	۴۸	۳۶	۱۴۸	۷۱/۵
جمع کل	۷۶	۸۱	۵۰	۲۰۷	۱۰۰

با توجه به نتایج جدول ۱، بیشترین درصد پاسخگویان دانشجویان زن با ۷۱/۵ درصد و کمترین درصد دانشجویان مرد با ۲۸/۵ درصد است. بیشترین تعداد دانشجویان از دانشگاه تهران و کمترین تعداد از دانشگاه شهید بهشتی بوده است.

با توجه به اهداف پژوهش برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شد. با توجه به اینکه برای این تحقیق پرسشنامه استاندارد شده‌ای وجود نداشت، با مطالعه دروس کارشناسی رشته مذکور، متون تخصصی برنامه‌ریزی درسی، تجربه دوران دانشجویی، بهره‌گیری از نظرهای استادان و نیز مشاوره با چند نفر از دانشجویان پرسشنامه محقق ساخته تهیه شد و سپس، به‌طور تصادفی در بین ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری برای تعیین نواقص احتمالی و نیز تعیین روایی سوالات توزیع و جمع‌آوری شد. پس از اعمال اصلاحات لازم پرسشنامه با ۵۵ سؤال بسته پاسخ بر مبنای مقیاس درجه‌بندی لیکرت^۵ تهیه شد. روایی پرسشنامه نیز از روش محتوایی با استفاده از دیدگاههای متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، به‌منظور مستندتر کردن یافته‌های تحقیق ۲۰ مورد مصاحبه نیمه سازمان یافته^۶ انجام شد. سؤالهای مصاحبه با ۴ پرسش باز پاسخ تهیه شد و روایی محتوایی آن را چند نفر از استادان دانشگاه تأیید کردند. در این پژوهش به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه از شاخصهای آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و برای تجزیه و تحلیل مصاحبه از روش مقوله‌بندی استفاده شد.

-
4. Typical Case Sampling
 5. Likert
 6. Semi-structured

یافته‌ها

سؤال اول: تا چه میزان برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای علمی دانشجویان منطبق است؟

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤوالهای مربوط نیاز علمی

انحراف معیار	توزیع فراوانی	توزیع نسبی	توزیع نسبی	توزیع نسبی	توزیع نسبی	توزیع نسبی	توزیع نسبی	توزیع نسبی	برنامه درسی کارشناسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی تا چه حد :
.۹۸	۲/۳۸	۲۵	۵۳	۹۱	۳۰	۸	فراوانی	۱) کنجکاو و علاقه شما را به دانستن افزایش می‌دهد؟	
		۱۲/۱	۲۵/۶	۴۴	۱۴/۵	۳/۹	درصد		
.۹۹	۲/۹۲	۹	۵۴	۶۹	۶۲	۱۳	فراوانی	۲) امکان بروز عقاید نواورانه را فراهم ساخته است؟	
		۴/۳	۲۶/۱	۳۳/۳	۳۰/۰	۶/۳	درصد		
۱/۰۴	۲/۸۱	۹	۴۵	۷۴	۵۵	۲۴	فراوانی	۳) امکان بهره‌گیری از وسایل سمعی و بصری را داشته است؟	
		۴/۳	۲۱/۷	۳۵/۷	۲۶/۶	۱۱/۶	درصد		
۱/۰۴	۲/۹۸	۱۷	۴۱	۸۸	۴۲	۱۹	فراوانی	۴) امکان بهره‌گیری از روشهای تدریس متنوع را داشته است؟	
		۸/۲	۱۹/۸	۴۲/۵	۲۰/۳	۹/۲	درصد		
۱/۰۸	۲/۷۸	۱۵	۳۰	۸۶	۴۷	۲۹	فراوانی	۵) از محتوا و مسائل جدید برخوردار بوده است؟	
		۷/۲	۱۴/۵	۴۱/۵	۲۲/۷	۱۴/۰	درصد		
.۹۸	۳	۱۴	۴۶	۸۷	۴۷	۱۳	فراوانی	۶) در شناخت اهمیت و ضرورت رشته مؤثر بوده است؟	
		۶/۸	۲۲/۲	۴۲/۰	۲۲/۷	۶/۳	درصد		
.۹۷	۲/۲۷	۳	۱۴	۷۸	۵۳	۵۹	فراوانی	۷) با برنامه‌های درسی کشورهای پیشرفته همخوانی دارد؟	
		۱/۴	۶/۸	۳۷/۷	۲۵/۶	۲۸/۵	درصد		
۱/۰۳	۲/۳۷	۲	۲۹	۶۴	۶۱	۵۱	فراوانی	۸) شما را با نظامهای آموزشی جهان آشنا ساخته است؟	
		۱/۰	۱۴/۰	۳۰/۹	۳۹/۵	۲۴/۶	درصد		
۱/۰۱	۲/۲۹	۳	۲۰	۶۸	۶۰	۵۶	فراوانی	۹) مطابق با مباحث روز دنیا ارائه شده است؟	
		۱/۴	۹/۷	۳۲/۹	۳۹/۰	۲۷/۱	درصد		
.۹۹	۲/۹۱	۷	۵۰	۸۹	۳۹	۲۲	فراوانی	۱۰) دانش مدیریتی شما را افزایش داده است؟	
		۳/۴	۲۴/۲	۴۳/۰	۱۸/۸	۱۰/۶	درصد		
.۹۲	۲/۹۷	۷	۴۹	۹۵	۴۲	۱۴	فراوانی	۱۱) دانش تدریسی شما را افزایش داده است؟	
		۳/۴	۲۳/۷	۴۵/۹	۲۰/۳	۶/۸	درصد		
.۹۵	۳/۱۶	۱۲	۶۷	۸۱	۳۷	۱۰	فراوانی	۱۲) دانش روانشناختی شما را افزایش داده است؟	
		۵/۸	۳۲/۴	۳۹/۱	۱۷/۹	۴/۸	درصد		
.۹۹	۲/۷۷	۹	۴۰	۶۹	۷۲	۱۷	فراوانی	۱۳) دانش و بینش فلسفی شما را افزایش داده است؟	
		۴/۳	۱۹/۳	۳۳/۳	۳۴/۸	۸/۲	درصد		
.۸۶	۲/۹۵	۵	۴۷	۹۶	۵۰	۹	فراوانی	۱۴) دانش برنامه‌ریزی آموزشی شما را افزایش داده است؟	
		۲/۴	۲۲/۷	۴۹/۴	۲۴/۲	۴/۳	درصد		
.۹۲	۲/۸۸	۸	۴۲	۸۶	۶۰	۱۱	فراوانی	۱۵) دانش برنامه‌ریزی درسی شما را افزایش داده است؟	
		۳/۹	۲۰/۳	۴۱/۵	۲۹/۰	۵/۳	درصد		

۱۳۰ بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان

بر اساس یافته‌های جدول ۲ بیشترین میانگین نمره پاسخها مربوط به گویه‌های «کنجکاوی و علاقه به دانستن» با میانگین ۳/۲۸، «دانش روانشناختی» با میانگین ۳/۱۶ و «شناخت اهمیت و ضرورت رشته» با میانگین ۳ و کمترین میانگین مربوط به گویه‌های «همخوانی با برنامه‌های درسی کشورهای پیشرفته» با میانگین ۲/۲۷ و «آشنایی با نظامهای آموزشی جهان» با میانگین ۲/۳۷ بوده است. میانگین کل این مؤلفه ۲/۸۲ و واریانس آن ۰/۶۳ محاسبه شده است.

سؤال دوم: تا چه میزان برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با نیازهای فردی دانشجویان منطبق است؟

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤلهای مربوط نیاز فردی

ردیف سؤال	تعداد پاسخ	درصد	میانگین	انحراف معیار	سؤال	فراوانی	درصد
۱۶) به تفاوت‌های فردی توجه داشته است؟	۲/۵۲	۲۰	۷۹	۶۵	فراوانی	۳۵	۱۰۰
		۳/۹	۹/۷	۳۸/۲	درصد	۳۱/۴	۱۶/۹
۱۷) در افزایش خوشبینی شما مؤثر بوده است؟	۲/۶۰	۴۱	۶۱	۷۵	فراوانی	۲۷	۰/۹۹۴
		۱/۴	۱۹/۸	۲۹/۵	درصد	۳۶/۲	۱۳/۰
۱۸) در افزایش دوراندیشی شما مؤثر است؟	۲/۷۷	۳۷	۷۴	۶۷	فراوانی	۱۹	۱/۰۰
		۴/۸	۱۷/۹	۳۵/۷	درصد	۳۲/۴	۹/۲
۱۹) امکان و فرصت اظهار وجود را برای شما فراهم ساخته است؟	۲/۹۱	۵۳	۷۸	۴۴	فراوانی	۲۳	۱/۰۴
		۴/۳	۲۵/۶	۳۷/۷	درصد	۳۱/۳	۱۱/۱
۲۰) در افزایش استقلال فکری شما مؤثر بوده است؟	۳/۰۶	۶۰	۸۰	۴۶	فراوانی	۱۱	۰/۹۵
		۴/۸	۳۹/۰	۳۸/۶	درصد	۳۲/۲	۵/۳
۲۱) در افزایش انطباق با موقعیتها و افراد جدید برای شما مؤثر بوده است؟	۳/۲۶	۵۵	۹۵	۲۸	فراوانی	۸	۰/۹۴
		۱-۱	۲۶/۶	۴۵/۹	درصد	۱۳/۵	۳/۹
۲۲) در افزایش مسئولیت پذیری شما مؤثر بوده است؟	۳/۲۲	۶۴	۸۳	۲۹	فراوانی	۱۳	۱/۰۰
		۸/۷	۳۰/۹	۴۱/۱	درصد	۱۴/۰	۶/۳
۲۳) در اشتیاق به ادامه تحصیل شما مؤثر بوده است؟	۳/۱۴	۴۴	۷۶	۴۷	فراوانی	۱۲	۱/۰۹
		۱۳/۵	۲۱/۳	۳۶/۷	درصد	۳۲/۷	۵/۸
۲۴) در پذیرش انتقادهای سازنده تأثیر داشته است؟	۳	۲۳/۷	۴۰/۱	۲۰/۳	فراوانی	۱۸	۱/۰۴
		۷/۲	۲۳/۷	۴۰/۱	درصد	۲۰/۳	۸/۷
۲۵) در یادگیری مستقل یا هنر خودآموزی تأثیر داشته است؟	۳/۰۴	۵۸	۷۵	۴۲	فراوانی	۱۸	۱/۰۵
		۶/۸	۲۸/۰	۳۶/۲	درصد	۳۰/۳	۸/۷
۲۶) در توانایی تصمیم گیری صحیح مؤثر بوده است؟	۳/۰۸	۵۴	۹۳	۳۵	فراوانی	۱۳	۰/۹۵
		۵/۸	۲۶/۱	۴۴/۹	درصد	۱۶/۹	۶/۳
۲۷) در توان ریسک پذیری شما مؤثر بوده است؟	۲/۹۰	۴۰	۹۷	۴۸	فراوانی	۱۴	۰/۹۱
		۳/۹	۱۹/۳	۴۶/۹	درصد	۲۳/۲	۶/۸
۲۸) در قدرت نقادی شما مؤثر بوده است؟	۲/۹۵	۴۸	۸۱	۴۹	فراوانی	۱۷	۱/۰۱
		۵/۸	۲۳/۲	۳۹/۱	درصد	۲۳/۷	۸/۲
۲۹) در تفکر منطقی شما مؤثر بوده است؟	۳/۰۸	۶۰	۷۰	۴۶	فراوانی	۱۵	۱/۰۵
		۷/۷	۳۹/۰	۳۳/۸	درصد	۳۲/۲	۷/۲
۳۰) در توانایی حل مسئله در زندگی شما مؤثر بوده است؟	۲/۹۵	۴۵	۹۴	۴۹	فراوانی	۱۱	۰/۹۰
		۳/۹	۲۱/۷	۴۵/۴	درصد	۲۳/۷	۵/۳

بر اساس یافته‌های جدول ۳ بیشترین میانگین نمره پاسخها مربوط به گویه‌های «افزایش انطباق با موقعیتها و افراد جدید» با میانگین ۳/۲۶ و «افزایش مسئولیت پذیری» با میانگین ۳/۲۲ بوده است و کمترین میانگین مربوط به گویه‌های «توجه به تفاوت‌های فردی» با میانگین ۲/۵۲ و «افزایش خوشبینی» با میانگین ۲/۶۰ بوده است. میانگین کل این مؤلفه ۲/۹۶ و واریانس آن ۰/۷۴ محاسبه شده است.

سؤال سوم: تا چه میزان برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای اجتماعی دانشجویان منطبق است؟

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤالهای مربوط نیاز اجتماعی

انحراف معیار	میانگین	نقطه زیاد	زباد	مؤلفه	ص	نقطه ص	برنامه درسی کارشناسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی تا چه حد:
۰/۹۶	۳/۱۸	۱۸	۵۳	۹۶	۲۹	۱۱	فراوانی
		۸/۷	۲۵/۶	۴۶/۴	۱۴/۰	۵/۳	درصد
۱/۰۲	۳/۱۲	۱۰	۷۵	۷۱	۳۲	۱۹	فراوانی
		۴/۸	۳۶/۲	۳۴/۳	۱۵/۵	۹/۲	درصد
۱/۱۲	۲/۵۲	۱۳	۲۴	۶۱	۶۸	۴۱	فراوانی
		۶/۳	۱۱/۶	۲۹/۵	۳۲/۹	۱۹/۸	درصد
۱/۰۶	۲/۵۰	۸	۳۰	۵۶	۷۶	۳۷	فراوانی
		۳/۹	۱۴/۵	۳۷/۱	۳۶/۷	۱۷/۹	درصد
۱/۰۵	۲/۵۷	۷	۳۳	۶۶	۶۶	۳۵	فراوانی
		۳/۴	۱۵/۹	۳۱/۹	۳۱/۹	۱۶/۹	درصد
۱/۰۹	۳/۰۹	۱۸	۵۶	۸۲	۲۸	۲۳	فراوانی
		۸/۷	۳۷/۱	۳۹/۶	۱۳/۵	۱۱/۱	درصد
۱/۰۷	۲/۹۸	۱۷	۴۴	۸۴	۴۱	۲۱	فراوانی
		۸/۲	۲۱/۳	۴۰/۶	۱۹/۸	۱۰/۱	درصد
۱/۱۸	۲/۴۸	۱۶	۲۳	۵۳	۶۷	۴۸	فراوانی
		۷/۷	۱۱/۱	۲۵/۶	۳۲/۴	۲۲/۲	درصد
۰/۹۷	۳/۰۷	۱۲	۵۵	۸۹	۳۷	۱۴	فراوانی
		۵/۸	۲۶/۶	۴۳/۰	۱۷/۹	۶/۸	درصد
۱/۰۰	۳/۰۷	۱۳	۵۷	۸۶	۳۴	۱۷	فراوانی
		۶/۳	۱۷/۵	۴۱/۵	۱۶/۴	۸/۲	درصد

بر اساس یافته‌های جدول ۴ بیشترین میانگین نمره پاسخها مربوط به گویه‌های «فراگیری ارزشهای انسانی» با میانگین ۳/۱۸ و «توانایی فعالیت گروهی» با میانگین ۳/۱۲ و کمترین میانگین مربوط به

۱۳۳ _____ بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان

گویه‌های « لحاظ کردن مسائل جهانی» با میانگین ۲/۴۸ و « جامعه پذیری» با میانگین ۲/۵۰ بوده است. میانگین کل این مؤلفه ۲/۸۵ و واریانس آن ۰/۷۸ محاسبه شده است.

سؤال چهارم: تا چه میزان برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی با نیازهای شغلی دانشجویان منطبق است؟

جدول ۵- توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤلهای مربوط به نیاز شغلی

انحراف معیار	میانگین	زیاده	زیاد	کم	بسیار کم	بسیار زیاد	برنامه درسی کارشناسی رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی تا چه حد:
۰/۹۶	۲/۹۸	۸	۵۳	۸۸	۴۲	۱۶	فراوانی
		۳/۹	۲۵/۶	۴۲/۵	۲۰/۳	۷/۷	درصد
۱/۰۹	۲/۸۶	۱۵	۴۶	۶۱	۶۵	۲۰	فراوانی
		۷/۲	۲۲/۲	۲۹/۵	۳۱/۴	۹/۷	درصد
۱/۰۴	۲/۶۲	۹	۳۳	۶۵	۷۱	۲۹	فراوانی
		۴/۳	۱۵/۹	۳۱/۴	۳۴/۳	۱۴/۰	درصد
۰/۹۴	۲/۲۶	۵	۹	۶۹	۷۶	۴۸	فراوانی
		۲/۴	۴/۳	۳۳/۳	۳۹/۷	۲۳/۲	درصد
۰/۹۴	۲/۵۳	۳	۳۰	۶۷	۸۰	۳۷	فراوانی
		۱/۴	۱۴/۵	۳۲/۴	۳۸/۶	۱۳/۰	درصد
۰/۹۶	۲/۷۸	۹	۳۳	۸۵	۶۳	۱۷	فراوانی
		۴/۳	۱۵/۹	۴۱/۱	۳۰/۴	۸/۲	درصد
۱/۱۳	۲/۵۷	۹	۴۰	۵۲	۶۵	۴۱	فراوانی
		۴/۳	۱۹/۳	۲۵/۱	۳۱/۴	۱۹/۸	درصد
۱/۰۲	۲/۹۱	۸	۵۶	۷۳	۵۰	۲۰	فراوانی
		۳/۹	۲۷/۱	۳۶	۲۴/۲	۹/۷	درصد
۰/۹۵	۳/۱۸	۱۴	۶۵	۸۱	۳۸	۹	فراوانی
		۶/۸	۳۱/۴	۳۹/۱	۱۸/۴	۴/۳	درصد
۱/۰۲	۲/۸۶	۱۱	۴۱	۸۴	۵۰	۲۱	فراوانی
		۵/۳	۱۹/۸	۴۰/۶	۲۴/۲	۱۰/۱	درصد
۰/۸۹	۲/۷۹	۴	۴۳	۷۷	۷۲	۱۱	فراوانی
		۱/۹	۲۰/۸	۳۷/۲	۳۴/۸	۵/۳	درصد
۱/۱۴	۲/۸۵	۱۳	۵۱	۶۷	۴۴	۳۲	فراوانی
		۶/۳	۲۴/۶	۳۲/۴	۲۱/۳	۱۵/۵	درصد
۰/۹۷	۲/۷۵	۸	۳۹	۷۰	۷۴	۱۶	فراوانی
		۳/۹	۱۸/۸	۳۳/۸	۳۵/۷	۷/۷	درصد
۰/۹۷	۲/۷۸	۹	۳۷	۷۵	۷۱	۱۵	فراوانی
		۴/۳	۱۷/۹	۳۶/۲	۳۴/۳	۷/۲	درصد
۱/۱۵	۲/۴۷	۱۰	۳۳	۵۰	۶۵	۴۹	فراوانی
		۴/۸	۱۵/۹	۲۴/۲	۳۱/۴	۲۳/۷	درصد

بر اساس یافته‌های جدول ۵ بیشترین میانگین مربوط به گویه‌های «افزایش انجام دادن کارهای پژوهشی» با میانگین ۳/۱۸ و «افزایش توانمندی در انجام دادن مکاتبات اداری» با میانگین ۲/۹۸ و کمترین میانگین مربوط به گویه‌های «مهارت تنظیم گزارش مالی و حسابداری» با میانگین ۲/۲۶ و «افزایش توانایی کارآفرینی» با میانگین ۲/۴۷ بوده است. میانگین کل این مؤلفه ۲/۷۴ و واریانس آن ۰/۶۸ محاسبه شده است.

جدول ۶- مقایسه میانگین نمرات مؤلفه های پژوهش

مؤلفه‌ها	میانگین	واریانس
نیاز علمی	۲/۸۲۳۹	۰/۶۳
نیاز فردی	۲/۹۶۵۲	۰/۷۴
نیازاجتماعی	۲/۸۵۷۰	۰/۷۸
نیاز شغلی	۲/۷۴۵۹	۰/۶۸

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که نظرهای دانشجویان در ارتباط با میزان تطابق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای علمی، فردی، اجتماعی و شغلی یکسان نبوده است. مؤلفه «نیاز فردی» با میانگین ۲/۹۶ بیشترین و مؤلفه «نیازشغلی» با میانگین ۲/۷۴ کمترین بوده است. اما هیچ‌کدام از میانگینها در حد متوسط نبوده است؛ بنابراین، از نظر دانشجویان برنامه درسی رشته با هیچ‌کدام از نیازهای چهارگانه در حد مطلوب انطباق ندارند.

سؤال اول مصاحبه: به نظر شما در زمینه نیازهای علمی دانشجویان چه گویه‌هایی را باید در برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی مد نظر قرار داد؟

گویه	فراوانی	درصد
دانش روز رشته در جهان	۲۰	۱۰۰٪
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۱۸	۹۰٪
زبان تخصصی	۲۰	۱۰۰٪
مهارتهای پژوهشی	۱	۱۸٪
دانشهای تخصصی مورد نیاز رشته	۱۰	۵۰٪
خلاقیت و نوآوری	۱۵	۷۵٪

۱۳۴ _____ بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان

سؤال دوم مصاحبه: به نظر شما در زمینه نیازهای فردی دانشجویان چه گویه‌هایی را باید در برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی مد نظر قرار داد؟

گویه	فراوانی	درصد
توجه به تفاوت‌های فردی	۱۹	۹۵٪
استقلال فکری، قدرت تصمیم‌گیری	۱۲	۶۰٪
قدرت نقادی	۱۲	۶۰٪
خوشبینی و امید، نگرش مثبت به زندگی و بهبود نگرش	۸	۴۰٪
شناخت منطقی از خود و ارزیابی خود	۷	۳۵٪
بهبود روابط بین فردی	۲	۱۰٪

سؤال سوم مصاحبه: به نظر شما در زمینه نیازهای اجتماعی دانشجویان چه گویه‌هایی را باید در برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی مد نظر قرار داد؟

گویه	فراوانی	درصد
جهانی شدن	۲۰	۱۰۰٪
جامعه‌پذیری	۱۶	۸۰٪
روحیه انتقادگری و انتقادپذیری	۷	۳۵٪
مهارت‌های اجتماعی و سیاسی	۱۳	۶۵٪
تقویت هوش هیجانی و اجتماعی	۲	۱۰٪
روحیه پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری	۱۱	۵۵٪
توجه به ارزشهای دموکراتیک	۱	۵٪

سؤال چهارم مصاحبه: به نظر شما در زمینه نیازهای شغلی دانشجویان چه گویه‌هایی را باید در برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی مد نظر قرار داد؟

گویه	فراوانی	درصد
آشناسازی دانشجویان با بازار شغلی	۲۰	۱۰۰٪
کارآموزی و اضافه شدن واحدهای درسی عملی	۱۹	۹۰٪
کارآفرینی	۱۷	۸۵٪
توانایی کاربرد علوم نظری در عمل	۱۶	۸۰٪
توانایی اجرای تحقیقات آموزشی	۴	۲۰٪
ترجمه متون تخصصی	۳	۱۵٪
کاربرد نرم افزارهای رایانه و اینترنت و پست الکترونیکی	۴	۲۰٪
نگرش و توان پذیرش تغییرات شغلی	۱	۵٪

در خصوص سؤال پنجم تحقیق، میانگین نظرهای دانشجویان در خصوص مؤلفه‌های اساسی پژوهش بر اساس متغیرهای دموگرافیک (جنسیت، سن، نوبت تحصیلی، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و دانشگاه) مقایسه شد و تفاوت چشمگیری در نظرها ملاحظه نشد. به‌طور کلی، تمام افراد شرکت کننده در این تحقیق توافق داشتند که برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای مورد نظر دانشجویان منطبق نیست و به‌طور کلی، از پرورش دانش آموخته کارآمد عاجز است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش پنج سؤال اساسی بررسی شد که با توجه به نتایج به‌دست آمده، به هر کدام از سؤالها به اختصار پرداخته می‌شود. در خصوص سؤال اول (تا چه میزان برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای علمی دانشجویان منطبق است؟) داده‌ها و یافته‌های مربوط نشان داد که میزان انطباق برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای علمی دانشجویان کمتر از حد متوسط است. بر اساس یافته‌های جدول ۲ بیشترین میانگین نمره پاسخها مربوط به «دانش روانشناختی» با میانگین ۳/۱۶ و «شناخت اهمیت و ضرورت رشته» با میانگین ۳ بوده است. یافته‌های پژوهش پور حقیقی زاده (Poorhaghizadeh, 2000) همسو با این نتایج است، چرا که در آن پژوهش دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در تشخیص اهمیت و فایده دروس، مقوله دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای و روانشناختی را دارای بهترین رتبه دانسته‌اند. به هر حال، در هر رشته تحصیلی تلاش می‌شود تا ضمن ارائه اطلاعات، بر اهمیت و ضرورت رشته تأکید شود که برنامه درسی رشته در این خصوص به طور نسبی (با میانگین ۳/۱۶) موفق بوده است. میانگین مذکور در واقع، نشان دهنده رضایت ناکافی دانشجویان از رشته است.

کمترین میانگین مربوط به گویه‌های «همخوانی با برنامه‌های درسی کشورهای پیشرفته» با میانگین ۲/۲۷ و «آشنایی با نظامهای آموزشی جهان» با میانگین ۲/۳۷ بوده است. همسو با این نتایج عارفی (Arefi, 2004) یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را ناآشنایی با وضعیت کنونی نظامهای آموزشی جهان دانسته است. یافته‌های پژوهشهایی که در خصوص برنامه‌های درسی سایر رشته‌های دانشگاهی صورت گرفته است نیز با این نتیجه همسوست، از جمله ون (Wan, 1994) و فاضلی (Fazeli, 2000) در پژوهشهای خود از کارایی نداشتن برنامه‌های درسی آموزش عالی به‌دلیل بی‌توجهی به شرایط جدید، نوآوریها و پیشرفتهای اخیر رشته‌های تحصیلی یاد کرده‌اند که این یافته‌ها با نظر مصاحبه‌شوندگان همخوانی دارد. اکثریت مصاحبه‌شوندگان بر لزوم اختصاص سرفصلهای درسی رشته به آشنایی دانشجویان با نرم افزارهای تخصصی متناسب با رشته و همچنین، آشنایی با موتورهای جستجو و نحوه بهره‌گیری از آنها تأکید داشتند و معتقد بودند که باید برنامه درسی رشته توان بهره‌مندی از فناوری اطلاعات و ارتباطات را در دانشجویان فراهم سازد. فتحی واجارگاه و آزاد منش (Fathi Vajargh and Azadmanesh, 2007: 68) هم در پژوهش خود

تشویق دانشجویان به استفاده از امکانات مناسب فناوری اطلاعات و ارتباطات در انجام دادن تکالیف درسی و فعالیتهای مختلف آموزشی - تحصیلی و بالا بردن رغبت و دانش آنها در این زمینه را مطرح کرده‌اند. در همین خصوص، لونبرگ (Lonberg, 2001) در پژوهش خود افزایش سواد کامپیوتری دانشجویان از طریق برنامه‌های درسی آموزش‌عالی را بسیار مهم دانسته است. خلاقیت هم از جمله گویه‌هایی است که مصاحبه‌شوندگان بر ضرورت آن تأکید داشتند. همچنین، بهروزی (Behrozi, 2005)، عارفی (Arefi, 2004) و استرنبرگ و لوبارت (Sternberg and Lubart, 1995) در پژوهشهای خود برگسترش تفکر خلاق در آموزش‌عالی تأکید کرده‌اند. همه مصاحبه‌شوندگان بر لزوم توجه به زبان تخصصی در برنامه درسی رشته تأکید داشتند. همچنین، عارفی (Arefi, 2004) در پایان‌نامه خود بر آموزش زبانهای خارجی و پرورش مهارتهای مکالمه و نگارش در دانشجویان تأکید کرده است. راتکلیف و گارسیا (Ratcliff and Garcia, 1996) هم مطالعه زبانهای خارجی در برنامه درسی آموزش‌عالی را ضروری دانسته‌اند.

در خصوص سؤال دوم (تا چه میزان برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای فردی دانشجویان منطبق است؟) یافته‌های مربوط نشان داد که میزان انطباق برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای فردی دانشجویان کمتر از حد متوسط است. بر اساس یافته‌های جدول ۳ بیشترین میانگین نمره پاسخها مربوط به گویه‌های «افزایش انطباق با موقعیتها و افراد جدید» با میانگین ۳/۲۶ و «افزایش مسئولیت‌پذیری» با میانگین ۳/۲۲ بوده است. به هر حال، با گذر از دوران تحصیلی متوسطه و ورود به دانشگاه، دانشجو با محیط آموزشی متفاوتی مواجه می‌شود. در برنامه‌های درسی آموزش‌عالی روبه‌رو شدن دانشجویان با تکالیف و انتظارات متنوع و گاهی متضاد استادان در زمینه‌های درسی مختلف به افزایش انطباق با موقعیتها و افراد جدید منجر می‌شود. همچنین، فرد با ورود به دانشگاه با مجموعه‌ای از مسئولیت‌های جدید روبه‌رو می‌شود و به‌خصوص هر دانشجو در قبال هر واحد درسی مسئولیتها و تکالیفی جدید را برعهده می‌گیرد و در نتیجه، به افزایش مسئولیت‌پذیری آنها منجر می‌شود. در هر حال، توجه به میانگین یادشده خود‌گویی میزان کم اثربخشی برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی است.

دو گویه «توجه به تفاوت‌های فردی» با میانگین ۲/۵۲ و «افزایش خوشبینی» با میانگین ۲/۶۰ پایین‌ترین میانگین‌ها بوده‌اند. بولمن (Boolman, 2001) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که باید در برنامه‌های درسی دانشگاهی روشهایی را که به تفاوت‌های یادگیرندگان توجه دارند، به‌کار گرفت. به علاوه، خوشبینی ویژگی خاصی است که با امید به آینده تقارن دارد. در حقیقت، این خصیصه از طریق برنامه درسی پنهان در دانشجویان افزایش یا کاهش می‌یابد و با توجه به برنامه درسی پنهان می‌توان این خصیصه را کنترل کرد. متأسفانه، در هیچ‌کدام از پژوهشهای بررسی شده به این خصیصه توجه نشده است. همچنین، مصاحبه‌شوندگان یکی از نیازهای فردی مهم دانشجویان را، که در برنامه درسی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، ایجاد خوشبینی و امید، نگرش مثبت به زندگی و بهبود نگرش دانشجو

عنوان کرده‌اند. تجزیه و تحلیل پاسخهای ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان گویای آن است که برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای فردی دانشجویان هماهنگی لازم را ندارد. سرمد (Sarmad, 2000) هم در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که نظر دانشجویان در باره انطباق برنامه‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی با نیازهای دانشجویان مثبت نیست. نوروززاده و همکاران (Norouzzadeh et al., 2006) نبود ارتباط میان محتوای رشته‌ها با نیازهای مخاطبان را از جمله انتقادات وارد شده به برنامه‌ریزی درسی دانشگاهها می‌دانند. مواردی را که مصاحبه‌شوندگان معتقدند که باید در برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی برای انطباق با نیازهای فردی دانشجویان مورد ملاحظه قرار گیرد و به کارآمدی فردی آنها منجر شود، عبارت‌اند: از توجه به تفاوت‌های فردی، افزایش توان تجزیه و تحلیل مسائل، استقلال فکری، قدرت تصمیم‌گیری و قدرت نقادی؛ کوثری و نوروززاده (Norouzzadeh and Kossary, 2010: 3) هم دانش‌آموختگان موفق را کسانی می‌دانند که از مهارتهایی چون نوآوری، خلاقیت، مسئله‌گشایی، برنامه‌ریزی، کار گروهی، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری و خوش بینی برخوردار باشند. مهارتهای حل مسئله از جمله نیازهای فردی دیگری است که در برنامه درسی نادیده گرفته شده است و بولمن (Bollman, 2001) و فرنچ (French, 2001) در پژوهش خود بر توجه به مهارتهای حل مسئله و راتکلیف و گارسیا (Ratcliff and Garcia, 1996) هم بر حل مسئله و تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی آموزش عالی تأکید کرده‌اند.

در خصوص سؤال سوم (تا چه میزان برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای اجتماعی دانشجویان منطبق است؟) یافته‌های مربوط نشان داد که میزان انطباق برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای اجتماعی دانشجویان کمتر از حد متوسط است. بر اساس یافته‌های جدول ۴ بیشترین میانگین نمره پاسخها مربوط به گویه‌های « فراگیری ارزشهای انسانی» با میانگین ۳/۱۸ و «توانایی فعالیت گروهی» با میانگین ۳/۱۲ بوده است. با توجه به اینکه ما در یک کشور اسلامی زندگی می‌کنیم و برنامه‌های درسی کشورمان با توجه به اصول انسانی و اسلامی تهیه می‌شود و در جهت ارتقای ارزشهای انسانی و اسلامی حرکت می‌کند، گویه مذکور از میانگین نسبتاً بالایی برخوردار بوده است. محتوای برنامه درسی رشته با توجه به هدف آن که شورای عالی آموزش عالی آن را عبارت دانسته است از: تربیت مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی مسلمان و متعهد مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش کشور، توانسته است حداقل در حد متوسط در جهت فراگیری ارزشهای انسانی گام بردارد. در خصوص گویه «توانایی فعالیت گروهی» با در نظر گرفتن اینکه در برنامه درسی مؤسسات آموزش عالی امکان انجام دادن کارهای درسی به صورت گروهی وجود دارد، این رشته هم از این امر مستثنا نبوده است و در نتیجه، دانشجویان رشته در خصوص انجام دادن فعالیت‌های گروهی تا حدی توانمند شده‌اند. همسو با این مقوله، بولمن (Bollman, 2001)، لونبرگ (Lonberg,

(2001، بهار و هورنشتاین (Behar and Horenstein, 1995) و پی پن (Phippen, 1997) بر

لزم توجه به کارگروهی در برنامه درسی آموزش عالی تأکید داشتند.

دو گویه «لحاظ کردن مسائل جهانی» با میانگین ۲/۴۸ و «جامعه‌پذیری» با میانگین ۲/۵۰ پایین‌ترین میانگینها بوده‌اند. دلیل اصلی پایین بودن میانگین توجه به مسائل جهانی این است که با توجه به تغییرات و تحولات سریع جهانی، برنامه درسی رشته سالهاست که تغییری نکرده است و اساساً در سراسر برنامه درسی و دروس و کتابهایی که تدریس می‌شود، به ندرت اثری از توجه به مسائل جهان حاضر دیده شده است. سانگ و آکس (Sang and Alex, 1997) در بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی به‌منظور سازگاری با تغییرات دنیای کنونی ابراز داشتند که برنامه‌های درسی باید دانشجویان را برای ایفای نقشهای اجتماعی و تعامل اجتماعی آماده کنند. پاینار و همکاران (Pinar at el., 2004) هم معتقدند که برنامه درسی باید متضمن ایده و جهتگیری اجتماعی باشد و معنا و مفهوم مردمسالاری را برای فراگیران شفاف سازد. تیچلر (Teichler, 1999) هم توجه به مسائل صلح، توسعه پایدار، دموکراسی و تقویت فرهنگی را یکی از جهتگیریهای برنامه درسی آموزش عالی دانسته است. اکثریت مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی کمترین هماهنگی و انطباق را با نیازهای اجتماعی آنها دارد و در برنامه درسی رشته هیچ تلاشی مبنی بر توجه به مسئله جهانی شدن صورت نگرفته است. همچنین، آنها اظهار داشته‌اند که در برنامه درسی رشته برای جامعه‌پذیری که یکی از نیازهای مهم اجتماعی دانشجویان است، تلاشی صورت نگرفته است. نیمی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که برنامه درسی رشته برای انطباق با نیازهای اجتماعی دانشجویان باید قادر باشد که روحیه پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، قانونگرایی و مشارکت را در میان دانشجویان افزایش بدهد.

در خصوص سؤال چهارم (تا چه میزان برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای شغلی دانشجویان منطبق است؟) یافته‌های مربوط نشان داد که میزان انطباق برنامه درسی رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای شغلی دانشجویان کمتر از حد متوسط است. بر اساس یافته‌های جدول ۵ بیشترین میانگین مربوط به گویه‌های «افزایش انجام دادن کارهای پژوهشی» با میانگین ۳/۱۸ و «افزایش توانمندی در انجام دادن مکاتبات اداری» با میانگین ۲/۹۸ بوده است. رویکرد جدید اجرای پروژه‌ها و تحقیقات آموزشی در واحدهای درسی مختلف دانشگاهی باعث افزایش انجام دادن کارهای پژوهشی شده است. خوشبختانه، دانشجویان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی هم از این قاعده مستثنا نبوده‌اند و مهارت آنها در انجام دادن فعالیتهای پژوهشی افزایش یافته است، هر چند که کیفیت این پژوهشها جای بحث دارد. از آنجا که در دوره‌های تحصیلی آموزش عالی ارائه بسیاری از تکالیف توسط دانشجو انجام و به صورت کتبی به استاد تحویل داده می‌شود، آنها در خصوص انجام دادن مکاتبات اداری تا حدودی توانمند می‌شوند، هر چند که میانگین آن پایین‌تر از سطح متوسط بوده است. اما دو گویه «مهارت تنظیم گزارش مالی و حسابداری» با میانگین ۲/۲۶ و «افزایش توانایی

کارآفرینی» با میانگین ۲/۴۷ پایین‌ترین میانگینها بوده‌اند. احتمالاً وجود داشتن فقط دو واحد نظری حسابداری در برنامه درسی رشته و عدم توجه کیفی و کاربردی به این درس از دلایل پایین بودن میانگین این گویه است. واقعیت این است که یک مدیر آموزشی همانند سایر مدیران نیازمند داشتن مهارت در خصوص امور مالی و حسابداری است، چرا که نظامهای آموزشی هم مانند نظامهای صنعتی، بازرگانی و اداری با مسائل مالی مواجه هستند؛ در حالی که اعتقاد به لزوم تسلط داشتن یک مدیر آموزشی بر مهارتهای مالی و حسابداری عملاً در مؤسسات آموزشی کشور وجود نداشته است. بنابراین، لازم است که توجه فزاینده‌ای به پرورش مهارتهای مالی و حسابداری در برنامه درسی رشته شود. همچنین، یکی از مهم‌ترین نیازهای شغلی دنیای امروز، پرورش کارآفرینی است. در این خصوص، تیچلر (Teichler, 1999) و احمد زاده (Ahmadzadeh, 2006) هم بر ضرورت توجه به پرورش کارآفرینی در برنامه‌های درسی آموزش عالی تأکید داشته‌اند. پور کریمی (Poorkarimi, 2005) پیشنهاد کرده است که آموزش کارآفرینی به صورت مستقیم و با ارائه درسی با همین عنوان در دو بخش نظری و عملی سازمان یابد.

بیشتر مصاحبه شونده‌گان، برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را با نیازهای شغلی دانشجویان منطبق نمی‌دانستند و معتقد بودند که برنامه درسی رشته نسبت به بسیاری از نیازهای شغلی رشته بی توجه بوده است. آنها عنوان کرده بودند که برنامه درسی رشته در خصوص آشناسازی دانشجویان با بازار شغلی رشته مذکور اصلاً موفق نبوده و نتوانسته است قابلیت‌ها و مهارتهای شغلی مورد نیاز را در آنها ایجاد کند. نتایج پژوهش انتظاری (Entezari, 2006) هم با این یافته همسوست که برنامه‌های درسی آموزش عالی در کمک به دانشجویان برای احراز قابلیت‌های شغلی لازم موفق نبوده‌اند. گویا (Gooya, 2004:15) هم اظهار داشته است که در نهایت، دانش‌آموختگان این رشته در دوره کارشناسی توانایی زیادی برای اشتغال به دست نمی‌آورند. مصاحبه شونده‌گان یکی از دلایل عدم صلاحیت و توانمندی شغلی دانشجویان رشته را کم بودن واحدهای عملی و ساعات کارورزی می‌دانستند که با نتایج تحقیقات واحدی (Vahedi, 1995) همخوانی دارد. کلاگان (Kellaghan, 1997) افزایش حیطه عملی و کاربردی برنامه‌های درسی را از محورهای مناسب در راستای بازنگری در برنامه‌های درسی آموزش عالی دانسته است. همچنین، عارفی (Arefy, 2004) در پایان‌نامه خود توجه بیشتر به پرورش مهارتهای تحقیق، تحولات دنیای کار و جنبه‌های عملی و کاربردی در برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی را توصیه کرده است.

در جمع بندی کلی در ارتباط با بررسی نظرهای دانشجویان با توجه به عوامل دموگرافیک مربوط به مؤلفه‌های نیاز علمی، نیاز فردی و نیاز اجتماعی و شغلی، آنچه باید گفت این است که تمام افراد شرکت کننده در این تحقیق توافق داشتند که میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با هیچ‌کدام از نیازهای دانشجویان از مطلوبیت برخوردار نبوده است و لذا، می‌توان این‌گونه قضاوت کرد که دانشجویان در تمام مؤلفه‌ها تقریباً به صورت همسان عمل کرده‌اند.

پیشنهادات

با توجه به یافته‌های به‌دست آمده، برای انطباق بیشتر برنامه درسی رشته مذکور با نیازهای دانشجویان ضمن نیازسنجی دقیق و جامع در خصوص اهداف رشته کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با توجه به نیازهای علمی، فردی، اجتماعی و شغلی دانشجویان راهکارهای زیر توصیه می‌شود:

۱. در خصوص تحقق نیازهای علمی دانشجویان به آموزش زبان انگلیسی و پرورش مهارت‌های آن، گنجانیدن مباحث و موضوعات علمی جدید مرتبط با رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، افزایش واحد درسی آشنایی با رایانه و ترغیب استفاده از اینترنت و نرم‌افزارهای رایانه‌ای در انجام دادن تحقیقات دانشجویی و بر پرورش روحیه خلاقیت در برنامه درسی و زمینه‌سازی به‌منظور بروز و ظهور آن در دانشجویان باید توجه شود.

۲. در خصوص تحقق نیازهای فردی دانشجویان لازم است که در برنامه درسی رشته به تفاوت‌های فردی توجه شود و در جهت تقویت روحیه خوشبینی، امید و نگرش مثبت به زندگی برنامه‌ریزی شود و در عین حال، به افزایش توان تجزیه و تحلیل مسائل، استقلال فکری، قدرت تصمیم‌گیری و قدرت نقادی دانشجویان توجه شود.

۳. در خصوص تحقق نیازهای اجتماعی دانشجویان به آماده‌سازی دانشجویان برای ادای وظایف شهروندی با آگاه‌سازی از حقوق بشر، قوانین و مقررات اجتماعی، دموکراسی، صلح و ارزش‌های انسانی، آگاه‌سازی دانشجویان از مسائل جهانی شدن و توانمندسازی آنها برای مواجهه با پدیده سده ۲۱ با پرورش یادگیرنده مادام‌العمر توجه شود.

۴. در خصوص تحقق نیازهای شغلی دانشجویان به افزایش واحدهای عملی و کارورزی در برنامه درسی، تأکید بیشتر بر پژوهش با به‌کارگیری رویکرد یادگیری پژوهش محور، تقویت توانمندی‌های شغلی مورد نیاز دانش‌آموخته رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و تربیت کارآفرین توجه شود.

References

1. Ali, Marziyeh and Hoseyngholizadeh, Rezvan (2010); "Critique and Evaluation Educational Science Curriculum (Educational Planning and Administration)"; *Journal of Higher Education Letter*, Vol. 2, No. 8, pp. 35-51(in Persian).
2. Alimirzayi, Saeid (2004); Pathology of Educational Planning and Administration Curriculum in Tehran Universities and Provide Practical Strategies for Improving the Existing Situation; Thesis of Postgraduate, Tehran: Tehran University (in Persian).

3. Ahmadzadeh, Nasrin (2006); Studying the Attention Criterion of the Undergraduate Curriculum of Educational Science Course in Nurturing Entrepreneurship Skills from the View of Graduates of Psychology and Educational Science of Shahid Beheshti University; Thesis of Postgraduate, Shahid Beheshti University (in Persian).
4. Arefy, Mahbobeh (2004); Evaluation of Educational Science Curriculum Development (Educational Planning and Management) in Higher Education in Approach of Students, Professionals and Graduates; Thesis of Postgraduate, Tehran: Tarbiat Modares University (in Persian)
5. Armstrong, M. (1990); *How to Be an Even Better Manager?*; London: Kogn Page.
6. Behar, L. and Horenstein, S. (1995); "Promoting Effective School Leadership: A Change-oriented Model for the Preparation of Principals"; *Peabody Journal of Education*.
7. Behrozi, Naser (2005); "Creativity, Higher Education and Sustainable Development"; Jafar Keyvani and Hamidreza Araste, *Higher Education and Sustainable Development Conference*; Vol.1, Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).
8. Bell, Joseph R. (2008); "Utilization of Problem-based Learning in an Entrepreneurship Business Planning Course"; *Journal of Entrepreneurship*, pp. 61-53.
9. Bollman, Lois Ann. (2001); *Conversations on Quality: Perspective on Teaching and Learning in Higher Education*; The University of Minnesota, Available at: <http://www.lib.umi.com/dissertation>.
10. Clarke, P., Gray, D. and Mearman, A.(2006); "The Marketing Curriculum and Educational Aims: Towards a Professional Education?"; *Marketing Intelligence and Planning*, Vol. 24. No. 3, pp.189-201.
11. Entezari, Yaghoub (2006); *Knowledge-based Entrepreneurship Necessary Condition for Effective Employment of Graduates of Higher Education*, Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).

12. Fallows, Stephen and Steven, Christine (2000); "Building Employability Skills into the Higher Education"; *Education+ Training*, Vol. 42, No. 2, pp. 75-82, MCB University Press, Available at: <http://www. Emerald - library. com>.
13. Fathi Vajargah, Kourosh and Azadmanesh, Nahid (2007); "The Feasibility of ICT Application in Curriculum Development in Higher Education"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 12, No. 4, pp. 49-70(in Persian).
14. Fathi Vajargah, Kourosh (2010); *Principles and Concepts of Curriculum*; Tehran: Bal (in Persian).
15. Fazeli, Esmat (2000); *Study Curriculum of Psychology and Achieve Extent its Objectives of Teachers and Students View in Supplemental Courses*; Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).
16. Finch, Curtis R. and Crunkilton, John R. (1994); *Curriculum Development in Vocational and Technical Education: Planning; Content and Implementation*; Massachusetts: Allyn and Bacon, 4 th. Ed.
17. French, Charlotte Lynne. (2001); *Change from an Instructor Centered to a Learner- centered Instructional Strategy: A Study of Faculty at a Community College*; The University of Oklahoma, Available at: <http://www. lib.umi.com/dissertation>.
18. Gooya, Zahra (2006); *Imbalance in Curriculum of Development Curriculum Field of in Iran: Assessing the Present Situation and Prospects for Favorable Perspectives*; Tehran: Iranian Curriculum Development Association (in Persian).
19. 19.Griffiths, J., Magga, H. and George, E.(2007); *Stakeholder Involvement*; Switzerland: World Health Organization.
20. 20.Kern, Anthony, T. (1994) ; *Accelerated Curriculum Development in Higher Education, under Conditions of Urgent Need: A Case Study*; Texas Teach University, Available at: <http://www. lib.umi.com/dissertation>.

- ۱۴۳
21. Kellaghan, Thomas (1997); *Assessment in Higher Education*; in UNESCO -NGO, The 5th UNESCO -NGO Collective Consultation on Higher Education.
 22. Levenburg, Nancy M. (2001); *A Model for Effective Curriculum Development in Operations Management*; The Union Institute, Available at: <http://www.lib.umi.com/dissertation>.
 23. Marsh, C.(2009); *Key Concepts for Understanding Curriculum*; London: RoutledgeFalmer.
 24. Mirkamali, Mohammad (1994); *Assessment of Occupational Abilities of University Graduates*; Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).
 25. Mirzabeigi, Ali(2002); *Curriculum Development and Lesson Plans in Formal Education and Human Resources Training*; Tehran: Yastaroon (in Persian).
 26. Momeni Mahmuyee, Hosein (2009); "Evaluation of Curriculum in Higher Education System"; *Journal of Learning Strategies*, Vol. 2, No. 8, pp. 13-15 (in Persian).
 27. Nasr, Ahmad Reza, Etemadzadeh, Hedayet Allah and Nili, Mohammad Reza (2008); *Curriculum and Course Design in Universities and Higher Education Institutes*; Isfahan: University Jihad (in Persian).
 28. Norouzzadeh, Reza and Kossary, Maryam(2010); "Description of the Characteristics of the Quadruplet Elements Undergraduate Curriculum with Emphasis on Training Entrepreneurship Skills"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol.15, No. 4, pp.1-18(in Persian).
 29. Norozzadeh, Reza et al. (2006); "Situation of Share of Universities Participation in Approved Curriculums Revision of the High Council of Planning"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 12, No. 42, pp. 71-92 (in Persian).
 30. Ogade, N., Nel, H.S. and Oosthuizen, M.(2006); *The Challenge of Curriculum Responsiveness in South African Higher Education*.

31. Parkay, Forrest. W., Ancil, Eric, J. and Hass, Glen (2006); *Curriculum Planning, A contemporary Approach*; Boston: Pearson Education, Inc.
32. Pinar, W., Reynolds, W., Slattery, P. and Taubman, P. (2004); *Understanding Curriculum: An Introduction to the Study of Historical and Contemporary Curriculum Discourse*; Peter lang.
33. Phippen, Mark (1997); *Transferable Skills in the Education of Graduates: The Contribution of Student Counselors in Higher Education*; in: UNESCO, Higher Education, the Consequences of Change for Graduate Employment, Collective Consultation on Higher Education.
34. Poorkarimi, Javad (2005); "Sustainable Development, Human Development and Employment of Graduates", Jafar Keyvani and Hamidreza Araste, *Higher Education and Sustainable Development Conference*; Vol.1, Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education (in Persian).
35. Poorhaghighizadeh, Mohammad Bagher (2000); *Study Attitude of Educational Planning and Administration Graduates in Educational Science Department about Importance and Benefits of Proposed Courses*; Shiraz: Shiraz University (in Persian).
36. Ratcliff, James L. and Garcia, Mildred (1996); Social Forces Shaping the Curriculum; in Gaff Jerry G. (eds), *Handbook of the Undergraduate Curriculum*; Jossey-Bass Publisher.
37. Roggema, Marijk and Heusden, Van (2004); "The Challenge of Developing a Competence-Oriented Curriculum: An Integrative Framework"; *Library Review*, Vol. 53. No. 2, pp. 98-103, Available at: <http://www.Emeraldinsight.Com>.
38. Salsabili, Nader (2004); *Curriculum Perspectives: Perceptions, Integrations, and Patterns*; Tehran: The Ministry of Education, Institute for Educational Research (in Persian).
39. Sang, Joon and Alex, Lee (1997); *Higher Education: The Consequences of Change for Graduate Employment*; Proceeding of the 5th UNESCO-NGO Collective Consultation on Higher Education, Vol. 2, Paris.

40. Sarmad, Gholam Ali (2000); "Attitude of Human Sciences Students about Higher Education"; *Journal of Theological-Philosophical Researches*, No. 4, pp. 164-181(in Persian).
41. Sharif, Mostafa (2011); *Curriculum Discourse of Theory, Research and Practice Progressive Curriculum*; Vol. 1, Isfahan: University Jihad (in Persian).
42. Strenberg, R. Q. and Lubart, T.I. (1995); "Investing in Creativity"; *American Psychologist*, Vol. 51. pp. 677-88.
43. Teichler, Ulrich (1999); "Higher Education Policy and the World of Work: Changing Conditions and Challenges; in Higher Education Policy"; *The Quarterly Journal of the International Association of Universities*.
44. Vahedi, Mohammad Taghi (1995); Study some of Effective Factors in Attracting Graduates of Educational Planning and Administration in Tehran Schools Management, Thesis of Postgraduate, Tehran: Tehran University (in Persian).
45. Wan, Mamat (1994); *Strategic Program Planning and Curriculum Development: A Human Resource Development Model for Kolej Agama Sultan Zainal Abidin*; Northern Hlinois University, Available at: <http://www.lib.umi.com/dissertation>.
46. Wang, Jing (1994); *Curriculum Decision Making in Chinese Higher Education*; State University of New York at Albany, Available at: <http://www.lib.umi.com/dissertation>.
47. Wiles, Jon and Bondi, Joseph (2002); *Curriculum Development a Guide to Practice*; New Jersey: Merrill and Prentice Hall, 6th ed.
48. Wright, Janith, Cushman, Linda and Nicholson, Amanda (2002); "Reconciling Industry and Academia: Perspectives on the Apparel Design Curriculum"; *Education+ Training*, Vol. 44. No. 3, pp. 122-128, Available at: <http://www.Emeraldinsight.com>.
49. Wheelahan, Leesa and Carter, Richard (2001); "Notional Training Packages: A New Curriculum Framework for Vocational Education and

Training in Australia”; *Education+ Training*, Vol. 43. No. 6, pp. 303-316, Available at: <http://www. Emerald - library. com>.

50. Wemmenhove, Roos and Groot, Wouter T. (2001); “Principles for University Curriculum Greening”; *International Journal of Sustainability in Higher Education*, McB University Press, Vol. 2. No. 3, pp. 267-283, Available at: <http://www. Emerald - library. com>.
51. Yarmohamadiyan, Mohammad Hoseyn and Salmanizadeh, Maryam (2007); “Valuation of Students and Graduates View about Educational Planning and Administration Curricula in Islamic Azad University”, *Knowledge and Research in Educational Science*, No.9, pp.77-86 (in Persian).